

مجموعه متنوع:

«غزل با طعم نیمایی»

سروده‌ی:

ایرج کاروان

با مقدمه و ویرایش:

علی اکبر کمالی نهاد

سرشناسه : کاردان، ایرج، ۱۳۴۷
 عنوان و نام پدیدآور : مجموعه شعر: غزل با طعم نیمایی / سروده‌ی ایرج کاردان،
 با مقدمه و ویرایش : علی اکبر کمالی نهاد
 مشخصات نشر : قم: اقلیم مهر، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۴۸ ص.
 شابک : ۱۷۰۰۰ ریال: ۳۱-۰۰-۵۰۲۷-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : شعر فارسی- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : PIR/۸۱۸۱/الف۴۲۷م۰۳۱۳۹
 رده بندی دیویی : ۱/۶۴۳۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۰۹۷۲۱۳۲
شناسنامه‌ی کتاب:

نام کتاب: مجموعه شعر: غزل با طعم نیمایی
 سروده‌ی: ایرج کاردان
 مقدمه و ویرایش: علی اکبر کمالی، نهاد
 طرح جلد: م. معین ابراهیمی
 ناشر: اقلیم مهر
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول
 تاریخ نشر: ۱۳۹۰
 چاپخانه: ذاکر
 صحافی: هما
 شابک: ۳۱-۰۰-۵۰۲۷-۶۰۰-۹۷۸



قیمت ۱۷۰۰ تومان

ارتباط با شاعر: ۰۹۱۸۶۰۳۰۵۴۵

پخش و فروش: قم- خیابان آذر- مجتمع تجاری سعدی، انتشارات اقلیم مهر، ۰۹۱۲۲۵۳۳۱۶
 قم- خیابان حجتیه، پلاک ۶۳، خانه کتاب، ۰۲۵۱۷۷۴۰۳۷۸
 حقوق این اثر محفوظ است.

فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
	بخش دوم: اشعار نیمایی	۵	مقدمه
۲۷	دخترم		بخش اول: غزل‌ها
۲۹	خواهی آمد	۱۰	غزل ۱
۳۰	شب انتظار	۱۱	غزل ۲
۳۲	بعد از تو	۱۲	غزل ۳
۳۴	رود	۱۳	غزل ۴
۳۵	برای تو	۱۴	غزل ۵
۳۶	این روزها	۱۵	غزل ۶
۳۷	سپید	۱۶	غزل ۷
۳۸	رهگذر	۱۷	غزل ۸
۴۰	خواب و خاطره	۱۸	غزل ۹
۴۱	مرد، زن و جاده	۱۹	غزل ۱۰
۴۲	بهار	۲۰	غزل ۱۱
۴۴	شانه‌های مهربان	۲۱	غزل ۱۲
۴۶	شب شکن	۲۲	غزل ۱۳
۴۷	کودکی آدم	۲۴	غزل ۱۴
		۲۵	غزل ۱۵

مقدمه

هویت و تاریخی که شعر در حوزه‌ی کهن و گسترده‌ی زبان و فرهنگ فارسی در ایران دارد و تأثیر و تأکیدی که فارسی‌زبانان و ایرانیان بر زیبایی این هنر داشته‌اند، تقریباً کم‌نظیر است و شهرت شعر فارسی و ظرافت و زیبایی آن در جهان قابل ملاحظه است. بزرگان شعر فارسی مثل مولانا، حافظ، خیام، فردوسی، نظامی، سعدی و ... جزو معروف‌ترین شعرای دنیا می‌باشند و شعر فارسی با قدرت نفوذش، حتی بر فرهنگ‌ها و زبان‌های مجاور مثل شبه قاره‌ی هند و زبان‌های عربی و ترکی نیز تأثیر گذاشته است. این هنر در طول تاریخ جلوه‌گاه اندیشه‌ها، عواطف، احساسات، امیدها و ذهنیات ایرانیان بوده و هنرمندان شاعر به وسیله‌ی آن این زمینه‌ها و مضامین را به بهترین شکل ارائه نموده‌اند و این کارکرد هنری زبان با ظرافت‌ها و جلوه‌گری‌هایش ترجمان شور و هیجان، غم و درد، امید و یأس، شکوه و عظمت و بسیاری از عواطف و احساسات قوم ایرانی بوده است و تحلیل سخن و میزان زیبایی و عمق اندیشه و درجه‌ی اهمیت هنر و شیوه‌ی کسانی که در حوزه‌ی این هنر والا، فرس می‌دوانند، از موضوعات و شاخه‌های پرتعداد و رایج در جامعه‌ی امروز است.

در نگاهی کلی و اولیه به شعر باید بیان کرد که در این هنر بیشتر جنبه‌ی وصف حال و بیان احساسات فردی و شخصی دیده می‌شود؛ بالاخص در اول کار شاعری و نقطه‌ی شروع سرودن، هیچ شاعری از این قاعده برکنار نیست؛ ولی به مرور که شاعر قدرت بیشتری در بیان می‌یابد و فکرش پخته‌تر و لطیف‌تر می‌شود، از این مرحله می‌گذرد و خود را از بند احساسات فردی رها کرده، به مسائلی می‌پردازد که جامعه به آن‌ها نیاز دارد. در این مرحله شاعر سعی می‌نماید به واقعیت‌ها صورتی شاعرانه بدهد؛ نه این که به امری شاعرانه و تخیلی اطلاق حقیقت کند.

آقای کاردان از زمره یکسانی است که این ابزار را به عنوان محملی برای بیان اندیشه‌ها و احساسات درونی‌اش برگزیده و امید بسته که ذوق و اندیشه‌اش را در قالب واژگان و جملات ماندگار سازد. او نیز از جمله فارسی‌زبانانی است که خواسته تا سخنش را در قالب شعر و با شیوه‌ای موزون و آهنگین در حافظه‌ی تاریخ ماندگار کند و:

"در آستانه‌ی چهل سالگی

رسالت شاعرانه‌اش آغاز شده است." (برای تو)

مجموعه‌ی حاضر اولین رشحه‌های ذهن و قلم ایرج است که پیش‌کش اهل شعر و ادب گردیده است و باید دید که در گذر زمان و سیر تاریخ، طبع و سلیقه‌ی زیباپسند

فارسی‌زبانان شعرشناس با آن چگونه رفتار خواهند کرد؛ چرا که این جامعه است که سره را از ناسره جدا می‌کند و شعر ناب را در قاب حافظه‌ی خودش می‌گیرد و بقیه را به بایگانی فراموشی می‌سپارد. شعر خوب شعری است که پس از انتشار، در ذهن خوانندگان جدی شعر ماندگار می‌شود و در این میان فرقی نمی‌کند که این شعر سپید باشد یا غزل و مدرن باشد یا پست مدرن.

به قول دکتر شفیع کدکنی آزمایشگاه جامعه بی‌رحم‌تر از آن است که رعایت حال شخص یا اشخاصی را وجهه‌ی همت خودش قرار دهد.

برای فهمیدن شعر خوب باید هویت شعر را تحلیل نمود؛ شعر نتیجه‌ی عواطف و انفعالات و احساسات رقیق یک انسان است. شعر خوب آن چیزی است که از احساسات، عواطف و انفعالات و از حالات روحی صاحب خود، از فکر دقیق پر هیجان و نگاه‌گرم تحریک شده‌ی یک مغز پر جوش و یک خون پر حرارت حکایت کند.

اشخاصی که فقط از روی علم و ورزش ذهن و قدرت حافظه و کاوش زیاد در اشعار گذشتگان و معاصران، طبع شعری یافته و شعر می‌گویند، شعرشان ظرافت، احساس و عمق لازم را ندارد و از روح آنان حکایت نمی‌کند. شاعری که در روز عید نوروز، جلوس پادشاه یا مناسبتی دیگر مجبور یا محتاج است که قصیده‌ای سروده و با طرز معینی قرائت نماید، شاعر نیست؛ شعرساز است. شعری شعر زیبا و واقعی است که از دماغ شاعری لایق و در یک وقت آزاد در بحبوحه‌ی احساسات و تراکم عواطف گوناگون و در یک حال هیجانی گفته شده باشد. شعر خوب، یعنی احساسات موزونی که از دماغ پرهیجان و از روی اخلاق عالی‌تری برخاسته باشد. وارگان اصطلاحات، حسن ترکیب، سجع و وزن و قافیه و درستی و نادرستی قواعد و مقررات نظمیه، هیچ کدام از اینها نمی‌توانند در خوبی و بدی شعری حاکم و قاضی مطلق واقع شوند. هرچه هیجان و اخلاق گوینده در موقع گفتن یک شعر، قوی‌تر و نجیب‌تر باشد، آن شعر بهتر و خوب‌تر خواهد بود.

با نگاهی عمیق و دقیق که بر اشعار این مجموعه داشتیم، برخی از غزل‌های دلنشین و زیبای این مجموعه را از دل برآمده یافتیم. می‌توان گفت آقای کاردان نیز از جمله کسانی است که احساسات درونی و مسائل اجتماعی را با شیوه‌ای مطلوب در قالب نظم ریخته و برای بیان آن‌ها زبانی نرم و بیانی دلنشین را به خدمت گرفته است. تعبیرات و اصطلاحات او ساده و عامیانه است. گاهی شعر وی از شدت روانی به صورت یک مکالمه‌ی دلنشین، روان و زیبا در می‌آید. او با بهره‌گیری از واژه‌ها و اصطلاحاتی زیبا و لطیف، ارتباط‌هایی تازه و ظرافت‌هایی دیگر میان آن‌ها یافته و برخی امکانات نهفته و

"یک جرعه تو جاری شو در پنجره‌ی خورشید تا روشنی از رویت در کاسه‌ی شب ریزم" (غزل ۹):

"خلاصه‌ات که می‌کنم، تو شعر عاشقانه‌ای پر از ردیف و قافیه، غزل نگو ترانه‌ای" (غزل ۱۲)
در ساختار زبانی شعر او گاه ترکیبات، اصطلاحات و تعابیر تازه و قابل توجه نیز به چشم می‌خورند؛ به این ابیات بنگرید:
"تا که آرامش بیاید کودک احساس من یک غزل با طعم نیمایی برایم می‌خوری؟" (غزل ۱۳):

"بیا باران و با انگشت خست باغ شعرم را تماشا کن که پژمرده شده اشعار زیبایم" (غزل ۱۴)
که در این ابیات ترکیبات: "غزل با طعم نیمایی" و "انگشت خست باران" تازه و جالب توجه هستند؛ همچنین است در مثال‌های زیر:

"می‌شود در لحظه‌ای کوتاه و گرم دست خود بر گردنم جاری کنی؟" (غزل ۶)	"در غزل‌هایم فقط دل می‌کشم عشق را یک ماه کامل می‌کشم
آسمانش را به رنگ آفتاب سایه‌اش را زرد مایل می‌کشم" (غزل ۴)	

و گاهی هم دانش و اطلاعات تاریخی او در واژگان و ترکیبات شعرش جلوه کرده‌اند:
"ملک دلم در سلطه‌ی سلطانی کوروش بود در کارزار عاشقی مقهور چنگیزم مکن
ضخاک و هم اسکندر و سعد ابی وقاص را شاهنشاه ملک کی و دارا و پرویزم مکن" (غزل ۱۰)
آقای کاردان در دو حوزه‌ی سنتی و نو طبع آزموده است و در میان قالب‌های سنتی — چون اغلب شعر دوستان دیگر — غزل را ترجیح داده و به شیوه‌ی بسیاری از غزل سرایان معاصر محتوا، مضمون و مفاهیم درونی را با زبان و سبک تازه‌ی غزل امروزی عرضه کرده است. در اشعار نو هم خوب توانسته تخیل و تصاویر ذهنی‌اش را عرضه دارد و در این شیوه به شاعرانی چون سپهری و فروغ نیز نیم نگاهی داشته است.
از جمله ویژگی‌ها و نکاتی که در برخی از اشعار معاصر وجود دارد، آن است که شاعر پایان شعر را به صورت ناتمام و ناقص رها می‌کند و به گونه‌ای خواننده را در حدس زدن پایان شعر و تکمیل آن سهیم می‌کند و از این رهگذر نکاپو و تحرک ذهنی او را موجب می‌شود.

با نگاهی به اشعار نو آقای کاردان این نکته را شاهد هستیم و در اشعاری مثل:
"برای تو"، "شب انتظار"، "خواب و خاطره"، "بعد از تو" و "رود" این ویژگی را به خوبی درک می‌کنیم.

نکته‌ی دیگری که در شعر آقای کاردان قابل ذکر است، بهره‌گیری نسبتاً خوب و هنری از آرایه‌های ادبی و عناصر زیباساز سخن است و علی‌رغم این که با تواضع و فروتنی، احساسش را نازیبا دانسته:

"می‌روی بازار، احساس مرا با خود ببر جای آن احساس زیبایی برایم می‌خوری؟" (غزل ۱۳)

اما در خیال‌انگیزی و احساس شاعرانه در میان عناصر تخیل برانگیز ایشان گاه تصاویر تازه‌ای نیز یافت می‌شوند و استعاره‌ی مکنیه، تشبیه، مراعات النظیر، حس آمیزی و کنایه از آرایه‌هایی هستند که بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و گاه نیز در شعر او خوش نشسته‌اند؛ بنگرید:

- "تا که بوی بوسه‌ها هرگز نگیرد رنگ زرد یک گل سرخ مقوایی برایم می‌خوری؟" (غزل ۱۳)
- "و صدای قدم حنجره ات،

حجم تنهایی من می‌شکند" (خواهی آمد)

- "بیا که گوش دفترم لب غزل نشسته است بگو بگو شکایتی، حکایتی، فسانه‌ای" (غزل ۱۲)
- "تا که نقاشی کنم رویای شیرین تو را، نقشه‌ی یک گنج رویایی برایم می‌خوری؟" (غزل ۱۳)
اما شعر کار دلن با وجود تمام ویژگی‌ها و ظرافت‌هایی که برایش برشمردم، در آغاز راهی است که آینده‌ای زیبا و روشن را به انتظار نشسته است و مطمئناً هر کاری در ابتدا ممکن است نقص‌ها و کاستی‌هایی نیز داشته باشد و شعر کاردان نیز از این قاعده مبرا نیست و به ندرت ضعف‌هایی را در خود احساس می‌کند که شاخص‌ترین آن در حوزه‌ی موسیقی، کشش‌های نابه‌جای وزنی و سکنه‌های عروضی است که گاهی از اوج و اهمیت سخنش می‌کاهد؛ از آن جمله است:

"تمام راه رسیدن به تو اتوبان است میان فاصله‌ها راه انحرافی هست؟" (غزل ۲)
که این ضعف را در مصراع اول دارد یا اینکه گاهی با به کارگیری واژگان و اصطلاحات محاوره‌ای، زبان شعر را از آن اوج و اعتلای خود تنزل می‌بخشد؛ به مثال‌های زیر توجه کنید:

"شب گذشت و سپیده پیدا شد دشت غمگین کمی دلش وا شد" (غزل ۸)
که "دلش وا شد" عامیانه و محاوره‌ای است و از ولایی سخن کاسته است؛ همین‌طور است ترکیب: "توی زنبیل" در بیت زیر:
"توی زنبیل پر از خاطرات

یک سبد بوی بهار" (خواهی آمد)

و به ندرت هم تعابیر سست و مخالفت با قیاس در سخن او دیده می‌شود؛ مثلاً در نمونه‌ی زیر:

"من از نهایت دل با تو حرف می‌گویم تو صادقانه بگو قصد انصرافی هست؟" (غزل ۳)
که "حرف گفتن" مصدری نادرست است.
امید که در آینده باز هم شاهد مجموعه‌هایی اینگونه پراحساس و هنرمندانه و حتی زیباتر و هنری‌تر، از این شاعر گرامی باشیم.

علی اکبر کمالی نهاد
اردیبهشت ۱۳۹۰